

نگاهی انتقادی به پندار پس‌دانشی اهریمن در تسلط بر اخشیجان در شاهنامه و

اساطیر نرسی

(با تأکید بر نسخه محفوظ در موزه بریتانیا)

چکیده

براساس باورهای زروانی، اهریمن و اهورمزدا، دو بن‌ناهمساز و دوقلو، برای کسب جایگاه زروان خدا ناچار به ارائه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، قدرت و دانش برتر خود در تمشیت امور جهانی شدند. تقریباً هیچ متن اساطیری ایرانی نیست که به نقش گسترده چهار عنصر در شکل‌گیری گیتی اشاره نکرده باشد. مصالح ساختمانی کائنات تنها از همین آخشیج‌ها ساخته و پرداخته شده است. جوهره وجود افلاک نیز گویا از همین عناصر است. اهریمن نه تنها پس‌دانش و بی‌دانش به نظر نمی‌نماید که حتی به عکس آن در جاهایی نشان از برتری آشکار اهریمن در عرصه رقابت با هرمزد و هم‌درآفریندگی و در زدارکامگی دست یافت. این جستار براساس روش‌شناسی تحلیلی و توصیفی و مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای به شکل فیش‌برداری انجام شده است. براساس مطالعات و پژوهش‌های منتج به این مقاله این نتیجه کسب شد که اهریمن در بسیاری از موارد، از دانش و قدرت و جرئت بیشتری نسبت به اهورمزدا برخوردار است و در شاهنامه فردوسی نیز شواهد و قوانین ادعا از خلال ابیات استخراج شد. قدرت و دانش برتر اهریمن، در متون کهن اسکاندیناوی نزد مردمان کافرکیش شمال (نرسی) نیز جلوه یافته است و آنان نیز شواهدی از کنترل و تسلط اهریمنان و غولان بر عناصر چهارگانه آب و باد و خاک و آتش در کهن باورهای خود دارند. اهریمن از آغاز آفرینش جهان به‌خوبی توانسته بود بر چهار عنصر یا آخشیجان (آب، باد، خاک، آتش) مسلط شود و کنترل این عناصر را در دست گیرد و بر اهورا مزدا برتری یابد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی پندار پس‌دانشی اهریمن در تسلط بر اخشیجان در شاهنامه و اساطیر نرسی.
۲. تطبیق و قیاس، تشابهات و افتراق پندار پس‌دانشی اهریمن در تسلط بر اخشیجان در شاهنامه و اساطیر نرسی.

سؤالات پژوهش:

۱. کنترل پس‌دانشی اهریمن کنترل بر اخشیجان در شاهنامه و اساطیر نرسی چگونه بوده است؟
 ۲. برای کنترل اهریمن بر چهار عنصر در اسطوره‌های نوردیک و شاهنامه چه شواهدی وجود دارد؟
- کلیدواژه‌ها: اهریمن، اهورامزدا، آخشیجان، اساطیر نرسی، شاهنامه.

مقدمه

بر بنیاد باورهای اساطیری ایران کهن، دو بن هم‌زاده و متضاد اهریمن و اهورمزدا در تقابل با یکدیگر دست به آفرینش کائنات زده‌اند. اهورمزدا متصف به ویژگی‌های ارزشمند اخلاقی سرشار از خرد و حکمت و نور و روشنی است و در مقابل اهریمن سرشار از پلیدی و شرارت و رشک‌کامگی و تجاوز است. پدیده‌های زیبا و شایسته، آفرینش هرمزد و پدیده‌های ناشایست و نامطلوب آفرینش اهریمن به شمارند. از آغاز در ذات اهریمن پلشتی و بدخواهی نهادینه شده بود و نادان و پس‌دانش و زدارکامه شهرت گرفت؛ اما اهورمزدا با نهادی روشن و سرشار از دانایی سرشته شده بود. به تقریب تمام متون اسطوره‌ای ایرانی بر همین باور هستند؛ اما در بررسی دقیق و پژوهش‌های موشکامانه می‌توان ردپایی از موارد نقص باورهای پیشین مبتنی بر نادانی اهریمن و قدرت و دانایی هرمزد یافت. در این پژوهش با تکیه بر اسطوره‌های زروانی در باب آفرینش دو بن هم‌زاد، بهره‌گیری از برخی متون اسطوره‌ای مانوی به مواردی اشاره می‌شود که پس‌دانشی و کودنی مطلق و ناتوانی ناشی از نادانی اهریمن را به چالش می‌کشد و نمونه‌هایی از دانش برابر و احیاناً برتر اهریمن و در نتیجه قدرت عمل و شهامت و جسارت اهریمن در تقابل با اهورمزدا را برمی‌شمارد. هنر و حماسه ایرانی از فرهنگ این کشور تأثیر پذیرفته است و برخاسته از اساطیر، ادبیات، دین و آیین‌های باستانی است. بنابراین، ماهیت نمادین گرفته شده خود از متون ادبی و حماسی، همچون شاهنامه فردوسی را حفظ می‌نماید (اجاکه و همکاران، ۱۳۹۸: ۲) شاهنامه مجموعه تجارب تاریخی ایرانیان در اداره صحیح اجتماع و تأمین آسایش مردم و توجه به اخلاق آنان است. خرد و دانش و ژرف بینی و باریک‌نگری حکیم فردوسی سبب گردیده که شاهکار او به صورت آئینه فرهنگ این مردمان باشد (غنچه‌ای و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶۶).

در پژوهش به‌دور از تعصب و یک‌جانبه‌نگری، منطق و داوری راستین شکل می‌گیرد و نتیجه‌ها پذیرفتنی‌تر می‌نماید. بر این پایه و با هدف شناخت مستدل و منطقی‌تر ماهیت دانشوری و یا بی‌دانشی اهریمن، متونی از منابع گوناگون با موضوع اسطوره‌های کهن زروانی، زرتشتی و مانوی و احیاناً مهوری و میتراپی، مورد مذاقه قرار می‌گیرد و پندار دانش‌برتر اهریمن نسبت به هرمزد بررسی می‌شود. دانش کنترل و تسلط بر آخشیجان از آغاز تقابل دوبن هم‌زاد نزد اهریمن به وضوح دیده شده و در حماسه‌های منظوم نظیر شاهنامه نیز تجلی‌های فراوان می‌نماید و این جستار به روشنی بخش‌هایی از چیرگی اهریمن بر چهار عنصر را آشکار می‌نماید.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است اما آثاری به بررسی اساطیر در شاهنامه پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «بازتاب باورهای اساطیری رستنی‌ها در شاهنامه فردوسی» توسط موسوی و همکاران (۱۳۸۹) به بیان داشته رستنی‌ها-که خود زاییده آخشیجان هستند-در اسطوره‌ها و باورهای توتمی و آنیمیمی نقش درخور تأملی دارند و پرستش رستنی‌ها و اعتقاد به تبار نباتی انسان در شاهنامه نیز نمود دارد. همچنین به بررسی رابطه بین شخصیت‌های شاهنامه و ایزد نبات‌ها پرداخته و در حقیقت این شخصیت‌ها را صورت پیکرگردانی شده ایزد نبات‌های اساطیری دانسته است. قائمی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی براساس نقد اسطوره‌ای» به تحلیل نمادین و اسطوره‌ای و ارتباط چهار عنصر (آخشیجان) به‌ویژه خاک و آب پرداخته است و در آن براساس اسناد زروانی آتش و باد به‌عنوان عناصر نرینه و از آب و زمین (خاک) به‌عنوان عناصر مادینه نام برده شده است و به رابطه آن‌ها با طبایع چهارگانه مزاج آدمی (عالم اصغر) اشاره شده است ولی به مسئله موردنظر مقاله حاضر که سنجش دانش و قدرت اهریمن در تسلط بر آخشیجان (در شاهنامه و اساطیر نوری) است، نپرداخته است.

خلیلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نگاه اسطوره‌ای به آفرینش در آیین زرتشت» با توجه به کلیدواژه‌ها، مبحث آفرینش مظاهر طبیعت چون آسمان و آب و کوه، بررسی شده است و نظری در باب قدرت و دانایی اهریمن مطرح نشده است. اکبری (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «مینوشناسی اهریمن در اوستا و متون پهلوی» در خصوص اسطوره‌های اهریمن و داستان و تمثیل‌های اهریمن و زندانی شدن اهریمن در آسمان، این مقاله ارزشمند به سنجش ماهیت دانایی و نادانی به‌عنوان موضوع کلیدی نپرداخته و از این حیث با مقاله حاضر متفاوت است. گیمن (۱۳۸۵) در کتاب «اورمزد و اهریمن»، در خصوص همانندی‌های ایرانی در کیش یهود و پیدایش و افول و ماندگاری کیش مزدایی، دوگانه باوری و اهریمن و اساطیری فاجعه کیهانی و... مبحث کرده است و تنها و ویژه به مبحث کلیدی دانش برتری اهریمن نپرداخته است و از این جهت با کار مقاله حاضر کمی متفاوت است. بیشترین همانندی در حوزه موضوع کلیدی با مقاله حاضر را در کتاب «اهریمن‌شناسی ایرانی» نوشته دکتر آرش اکبری مفاخر می‌یابیم. این کتاب به بررسی اندیشه‌ها و اعمال اهریمن و اهورمزدا پرداخته و تاحدودی هم اشاراتی پیدا و پنهان به برسنجی قدرت و توان و کندذهنی یا دانایی اهریمن در تقابل با هورمزد کرده است و از این جهت بیشترین مشابهت با این جستار را دارد.

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در این جستار استنتاج می‌گردد که با وجود تأکید متون اساطیری کهن زرتشتی، زروانی و مانوی بر کندذهنی و پس دانشی، نادانی و شرارت طبعی اهریمن، می‌توان با توجه به شواهد موجود در همان متون و در داستان‌های حماسه ملی ایران به موارد صریحی از نقض پندارینه نادانی اهریمن دست یافت. اهریمن در نقاطی و از زوایای به طور آشکار از حیث قدرت، دانایی، پیش بینی و آینده نگری، اسراردانی و جرأت و شهامت در برابر با اهورمزدا قدرتمندتر و داناتر عمل کرده است. اهورمزد پس از آفرینش آب و باد و خاک و آتش، امشاسپندان را مأمور نگاهبانی و مراقبت از افتخارآمیزترین آفریدگان خود کرد؛ اما اهریمن توانست به لطایف‌الحیل این عناصر مزدا آفریده و در جبهه نیکی را به خود جلب کند و به انجمن اهریمنی خویش وارد کند. بر پایه متون اساطیری، اهریمن سوگند یاد کرده است که آب و گیاه را، خاک و باد را و آتش را بیالاید و تباه سازد و همین کار را نیز به خوبی و قدرتمندانه به پایان می‌رساند. در حماسه ملی ما شاهنامه فردوسی و نیز در اسطوره‌های نوردیک، نمونه‌های واضحی از این اعمال هوشمندانه، دانشورانه و قدرتمندانه اهریمن در کنترل و تسلط بر چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش در متن داستان‌ها به چشم می‌آید که در پژوهش حاضر به برخی از آن موارد اشارات درخور شد و شواهد و قرائن در متن ثبت شد.

فهرست منابع و مآخذ

- اجاکه، علی اکبر؛ شمیسا، سیروس و مدرس زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۸). «مضامین نمادین شاهنامه در آثار هنری مازندران. هنر اسلامی، ۱۵ (۳۴)، ۱-۲۸.
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۸۸). مینوشناسی اهریمن در اوستا و متون پهلوی، فصل نامه جستارهای ادبی، شماره ۴، ۱۸-۱.
- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۸۹). اهریمن شناسی ایرانی. تهران: ترفند.
- بهار، فاطمه؛ شگری، یدالله. (۱۳۹۸)، استعاره و گفت و گومندی در رجزهای شاهنامه بر اساس نظریه باختین. جستارهای زبانی. ۱۳۹۸؛ ۱۰ (۲): ۲۷۱-۲۹۴.
- پیچ، ر. ی. (۱۳۸۷). جهان اسطوره ها ۱. چاپ دوم. تهران: مرکز
- حسن زاده میرعلی، عبدالله، قنبری عبدالملکی، رضا. (۱۳۹۱)، تحلیل ریخت شناسی روایت اسطوره ای «کتیبه» بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ. جستارهای زبانی؛ ۳ (۳): ۱۰۰-۸۱
- حق پرست، لیلا. (۱۳۹۱). «شیوه های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن از شاهنامه و بهمن نامه (بر اساس مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی در تحلیل گفتمان)». جستارهای زبانی. ۱۳۹۱؛ ۳ (۲): ۲۷-۱.
- خسروی شکیب، محمد؛ عزیز محمدی، فاطمه و قبادی، حسینعلی. (۱۳۹۱). «بنیامتیت دو متن؛ نقد تطبیقی داستان «فریدون» در شاهنامه و «شاه لیر» شکسپیر». جستارهای زبانی؛ ۳ (۲): ۲۲-۱.
- خلیلی محله، منیره. (۱۳۹۰). «نگاه اسطوره ای به آفرینش در آیین زرتشت». فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی مشهد شماره ۲۹، ۳۶-۶۶.
- دادگی، فرنیغ. (۱۳۸۵). بندهش. گزارش بهار، مهرداد. چاپ سوم. تهران: توس.
- دوشن گیمن ژ. (۱۳۸۵). اورمزد و اهریمن. ترجمه: دکتر عباس باقری. چاپ دوم. تهران: فروزان روز.
- رفاهی، سمانه. (۱۴۰۰). «مقایسه تحمیدی شاهنامه و گرشاسب نامه بر مبنای فرانش اندیشگانی دستور نظام مند - نقش گرای هلیدی». جستارهای زبانی؛ ۱۲ (۲): ۴۴۹-۴۸۰.
- زهر، آر. سی. (۱۳۸۴). زروان یا معمای زرتشتی گری. ترجمه: تیمور قادری. تهران: امیرکبیر.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۸۵). سایه های شکار شده. تهران: طهوری.

- غنچه‌ای، علیرضا و همکاران. (۱۳۹۹). «بررسی سبک‌های مدیریتی در شاهنامه شاه طهماسبی بر پایه نگرش‌های اساطیری، حماسی و تاریخی». هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۶۴-۲۸۷.
- قائم‌ی فرزاد و همکاران. (۱۳۸۸). «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی براساس نقد اسطوره‌ای». فصلنامه ادب‌پژوهی، شماره ۱۰، ۲۲-۱۱.
- قبول، احسان. (۱۳۸۸). «شخصیت‌شناسی شغاد در شاهنامه». مجله جستارهای ادبی، شماره ۱۶۴، ۸۱-۶۵.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). شاهنامه فردوسی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- گزیده اوپانیشادها. (۱۳۸۷). مترجم: رضازاده شفق، صادق. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مره‌یی، منصور؛ جدیدالاسلامی، حبیب و رومیانی، بهروز. (۱۳۹۸). «تصویرسازی و تصویرآرایی فریب‌کاری در شاهنامه فردوسی و کلیله دمنه نصرالله منشی (مغول و تیموری)». هنر اسلامی، ۱۵(۳۵)، ۳۴۷-۳۶۷.
- موسوی، سید کاظم و مددی، غلامحسین، بهار. (۱۳۸۹). «بازتاب باورهای اساطیری رستنی‌ها در شاهنامه فردوسی» زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، شماره ۱۲، ۵۵-۳۶.
- میرفخرایی، مهشید. (۱۳۷۶). روایت پهلوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ورمازرن، مارتین. (۱۳۸۶). آیین میترا. ترجمه: نادرزاد، بزرگ. چاپ ششم. تهران: چشمه.
- هیلتز، جان. (۱۳۸۶). شناخت اساطیر ایران. ترجمه: آموزگار، ژاله. تفضلی، احمد. چاپ دوازدهم. تهران: چشمه.